**فصلنامه حقوق اداری**

**سال هشتم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۲۶**

# ملاحظاتی در انجام فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون در ایران

احمد مرکز مالمیری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

**چکیده**

تصویب قوانین بی‌کیفیت، به‌ویژه قوانینی که اجرا نمی‌شوند یا دست‌کم به‌طور ناقص اجرا می‌شوند، از مهم‌ترین معضلات نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شود. یکی از تدابیر معمول برای ارتقای کیفیت قانون که در بسیاری از کشورها عملیاتی شده است، انجام فرایند «ارزیابی تأثیرات قانون» پیش و پس از تصویب هر قانون است. بر اساس قوانین جاری و رویه فعلی در ایران، در حال حاضر، تکلیفی قانونی برای انجام ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون وجود ندارد. در این مقاله، علاوه بر نشان دادن صلاحیت قوه مجریه برای انجام فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون با ذکر برخی نمونه‌های موفق، به ملاحظاتی پرداخته شده است که باید در آغاز این فرایند مورد توجه قرار گیرند؛ این ملاحظات عبارتند از: ابتنای قانون‌گذاری بر اساس لایحه، احتیاط برای گرفتار نشدن در «دام‌های قابلیت» (شامل «ادای هم‌شکلی» و «تحمل بار زودهنگام») و ضرورت انجام مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات قانون.

**واژگان کلیدی:** ارزیابی تأثیرات قانون، قانون‌گذاری، مقررات‌گذاری، پارلمان، مطالعات قانون‌گذاری.

۱. عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ تهران، ایران. m. markaz@majles. ir

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

## ۱. طرح مساله

سال‌هاست که تصویب قوانین بی‌کیفیت و به‌ویژه قوانینی که اجرا نمی‌شوند یا دست‌کم به‌طور ناقص اجرا می‌شوند، از مهم‌ترین معضلات نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است؛ به‌طوری که قوانین مصوب پس از مدت کوتاهی با اصلاحیه یا الحاقیه‌های مختلف، مواجه می‌شوند و درنتیجه، نظام حقوقی؛ مشحون از قوانین اصلاحی و الحاقی، بدون چینش منطقی در مجموعه قوانین خاص خود شده است. علاوه بر این، در لوایح و طرح‌های مورد بررسی، هیچ‌گونه ارزیابی از حیث تأثیرات قطعی یا احتمالی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... صورت نمی‌گیرد. تنها پس از تصویب مفاد لوایح و طرح‌های پیشنهادی است که دولت یا مجلس نسبت به بازنگری در آن اقدام می‌کنند؛ گرچه این بازنگری نیز مجدد بدون انجام فرایند ارزیابی تأثیرات صورت می‌گیرد.

یکی از این تدابیر معمول برای ارتقای کیفیت قانون که در بسیاری از کشورها عملیاتی شده است، انجام فرایند «ارزیابی تأثیرات قانون»، [1] پیش و پس از تصویب هر قانون است. ابزار ارزیابی تأثیرات قانون، در واقع می‌تواند درخصوص هر مقرره‌ای توسط هر مرجع ذی‌صلاحی به‌کار رود و به همین دلیل است که عنوان دقیق آن، «ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری» است. از این حیث، قانون به‌عنوان محصول پارلمان، تابع اصول و ضوابطی خواهد بود که برای هریک از مقررات نیز صدق می‌کند.

در این مقاله، پس از ارائه تعریف و انواع ارزیابی تأثیرات قانون، با تمرکز بر ارزیابی تأثیرات قانون به نحو پیشینی (معطوف به آینده)، به تبیین مناسب بودن قوه مجریه برای انجام فرایند مورد بحث با توجه به تجربیات کشورهای موفق خواهیم پرداخت. مسأله خاص مورد توجه این نوشتار، توضیح ملاحظاتی است که باید در اجرایی شدن فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون مورد توجه قرار گیرد. پاسخ به این سؤال حائز اهمیت است که آیا با فرض مفید و ضروری بودن انجام ارزیابی تأثیرات هر لایحه و طرح، امکان عملیاتی کردن آن در نظام قانون‌گذاری ایران وجود دارد و اگر چنین ضرورت و امکانی وجود دارد، مناسب‌ترین سازوکار برای عملیاتی کردن فرایند مذکور چیست؟ در پاسخ به سؤال پیش‌گفته، با استناد به یکی از مصوبات اخیر دولت، انجام مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات پیشنهاد شده است.

1. Regulatory Impact Assessment (RIA)

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

## ۲. تعاریف و انواع ارزیابی تأثیرات قانون

ارزیابی تأثیرات قانون/ مقررات/ مقررات‌گذاری، یکی از مؤلفه‌های جریانی است که با عنوان سیاست‌های «مقررات‌گذاری‌بهتر» از آن یاد می‌شود. این سیاست‌ها را با وجود ابهام و گستردگی، می‌توان مشتمل بر رویه‌ها و فرایندهای ناظر بر ارتقای کیفیت مقررات تعریف کرد و در میان آنها، ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری، ابزاری فوق‌العاده مهم و راه‌گشاست (Brain and Scott, 2011: 471). برای نمونه، پنج ابزار به عنوان مهم‌ترین ابزارهای «قابلیت مقررات‌گذاری» در ۲۸ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، به این شرح اعلام شده است: (۱) ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری؛ (۲) بدیل‌های ارزیابی مقررات‌گذاری؛ (۳) رایزنی و مشاوره با طرف‌های تأثیرپذیر و ذی‌نفع؛ (۴) الزامات زبان ساده پیش‌نویس؛ و (۵) ارزیابی نتایج برنامه‌های مقرراتی (OECD, 2011: 7).

تصویب و اجرای هر قانون جدید، از یک‌سو برای حکومت هزینه‌بر است و ازسوی دیگر، اجرای آن هزینه‌ها منافعی را برای جامعه به‌دنبال دارد. زمانی می‌توان گفت قانون‌گذاری «به حد بهینه» خود رسیده است که «خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد» (رنانی، ۱۳۷۲: ۱۳). سؤال این است که چه معیار عملی و در دسترسی برای محاسبه همه هزینه‌ها و منافع یک قانون وجود دارد تا قانون‌گذار با توجه به وزن بیشتر منافع بر هزینه‌ها، اقدام قانون‌گذارانه خود را قابل توجیه و ضروری بداند. در فرایند ارزیابی تأثیر مقررات‌گذاری، با در نظر داشتن معیارها و شاخص‌هایی که در طول سال‌ها توسط صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی تدوین شده است، تلاش می‌شود هزینه‌ها و فواید یک مقرره، پیش و پس از تصویب، ارزیابی شده و برای مقررات‌گذاران، این امکان فراهم شود تا اولاً، با آگاهی از جوانب موضوع و محیط واقعی، به تصویب مقررات بپردازند، و ثانیاً، از کیفیت اجرای مصوبه خود مطلع شوند تا در صورت نیاز، به بازنگری در آن اقدام کنند.

بدین‌ترتیب، ارزیابی تأثیرات هر مصوبه (اعم از قانون یا مقررات) در قالب دو نوع ارزیابی معطوف به آینده (یا پیشینی)[1] و ارزیابی معطوف به گذشته (یا پسینی)[2] صورت می‌گیرد. ارزیابی تأثیرات پسینی (یا ارزیابی معطوف به گذشته) زمانی انجام می‌شود که قانون به مرحله اجرا درآمده است. در واقع، هدف از این نوع ارزیابی، ارزشیابی ارزیابی انجام شده، همچنین، آگاهی از آنچه پس از اجرای قانون رخ می‌دهد و بررسی اثر واقعی قوانین مصوب است (مدر، ۱۳۹۰: ۳۱۲-۳۱۱).

1. Prospective (ex ante)
2. Retrospective (ex post)

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

ارزیابی تأثیرات پیشینی (یا ارزیابی معطوف به آینده) ـ موضوع این نوشتار ـ پیش از تصویب مقرره (قانون، آیین‌نامه، بخشنامه یا مانند اینها) صورت می‌گیرد و هدف از آن، به‌دست آوردن تصویری روشن از آثار احتمالی یا بالقوه یک مصوبه است. ادبیات راجع به ارزیابی مقررات، به طور عمده به ارزیابی پیشینی تأثیرات معطوف است. در این نوع ارزیابی، چارچوبی روش‌شناختی برای انجام ارزیابی نظام‌مند از منافع و هزینه‌های مقررات و نیزآگاه‌سازی تصمیم‌گیران از نتایج اقدامات مقررات‌گذاری آنها ارائه می‌شود (کرکپاتریک و پارکر، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷۶).

از «ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری»،[1] تعاریف مختلفی از منظرهای متفاوت ارائه شده است.[2] برای نمونه، دولت انگلستان، ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری را ابزاری تعریف کرده که به سیاست‌گذاری شکل می‌دهد. این ارزیابی را «به‌واسطه بررسی هزینه‌ها، منافع و ریسک‌های مربوط به مقررات پیشنهادشده، می‌توان یک نوع ارزیابی آثار گزینه‌های پیش‌رو در اتخاذ [سیاست‌های] مختلف به شمار آورد» (کرکپاتریک و پارکر، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵). مقررات‌گذاری در هر قالب (وضع قانون، تصویب آیین‌نامه و سایر روش‌ها)، هزینه‌هایی برای بخش‌های مختلف جامعه و حوزه‌های متعدد به‌بار خواهد آورد. اولین پیش‌شرط اجرای فرایند ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری؛ به‌رسمیت شناختن هزینه‌زا بودن هرگونه مقررات‌گذاری و جدی گرفتن آنها در مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. ملاحظه و اندازه‌گیری هزینه‌های احتمالی پس از هر مقررات‌گذاری، برای برنامه‌ریزی درخصوص مواجهه با تبعات و پیامدهای هر اقدام مقررات‌گذاری ضروری است. این هزینه‌ها اعم از هرینه‌های مالی و غیرمالی با ماهیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و غیره است. نظام ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری، ابزاری کارآمد برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع هر نوع مقررات‌گذاری شمرده می‌شود.[3]

یکی از تعاریفی که با استفاده از تعریف ارائه‌شده در یکی از گزارش‌های دیوان محاسبات هلند صورت‌بندی شده، به این شرح است: ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون، «تحقیقی آینده‌محور در خصوص تأثیرات [مستقیم] و تأثیرات جانبیِ بالقوه قانون جدید است. تحقیق مذکور، نتیجه رویه‌های ساختارمند و رسمی است و منتج به یک گزارش مدوّن خواهد شد. چنین گزارشی دربرگیرنده مطالعه دربارهٔ تأثیرات

---

1. Regulatory Impact Assessment (RIA)

۲. در مواردی، به‌جای عبارت مذکور، از عبارت «تحلیل تأثیرات مقررات‌گذاری» (Regulatory Impact Analysis) یا « ارزیابی تأثیرات» (Impact Assessment) نیز استفاده می‌شود.

۳. برای مطالعه نمونه‌ای از جداول ارزیابی هزینه‌های مقررات؛ ر. ک. :

VECD, "Introductory Handbook for Undertaking Regulatory Impact Analysis (RIA)", Version 1. October 2008, Available online at: www. oecd. Org/dataoecd/48/14/44789472. pdf.

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

[مستقیم] و تأثیرات جانبی بدیل‌هاست؛ حتی بدیل‌هایی که اساساً مورد مقررات‌گذاری قرار نگرفته‌اند.» (Verschuure and Rob, 2009: 5).

توجیهات مختلفی در ضرورت انجام فرایند ارزیابی تأثیرات قانون در ادبیات حقوقی ـ اقتصادی، ارائه شده است. از جمله در یکی از مطالعات، راجع به ارزیابی پیشینی در کشورهای اروپایی، چهار دلیل برای این نوع ارزیابی به این شرح ذکر شده است:

اول ـ پیچیدگی رو به تزاید نظام‌های حقوقی اروپایی که طی آن، پارلمان‌های ملی و نهادهای اروپایی، تبدیل به بازیگران همکار در یک شبکه چندسطحی شده‌اند و مطالبات مربوط به کاهش نااطمینانی (عدم قطعیت) را در فرایندهای تقنینی برآورده می‌کنند.

دوم ـ تأکید بر عوامل خروجی و پایش نتایج سیاستی که اغلب «مدیریت عمومی جدید» خوانده می‌شود. اگر قانون به‌مثابه ابزاری مهم برای تحریک رشد اقتصادی، ایجاد شغل و تضمین توسعه پایدار در نظر گرفته شود؛ روشن است که جامعه (مردم) همچنین با قانون‌گذارانی مواجه خواهند شد که منافع رو به تزایدی در کارآمدی و اثربخشی قانون دارند. این امر، توجه روزافزون به اصول پاسخگویی و حکمرانی خوب را توضیح می‌دهد.

سوم ـــ نگرانی فزاینده از افزایش مقررات ـ خطر تولید قواعد بیش از حد ـ که می‌تواند منجر به طفره‌رفتن از قانون شود؛ بر اهمیت ایجاد آستانه‌هایی در فرایندهای قانون‌گذاری برای جلوگیری از تصویب قوانین و مقررات زاید، دلالت می‌کند.چهارم ـ ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری می‌تواند معیارهایی را برای فرایندهای سیاست‌گذاری، به‌وسیله نشان دادن چگونگی رایزنی و مشاوره، هزینه‌ها، فواید و بده‌بستان‌های میان انتخاب‌های عمومی را که باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد، تأمین کند. این امر می‌تواند فرایندهای قانون‌گذاری را شفاف‌تر سازد (Verschuure and Rob, 2009: 3-4).

## ۳. قوه مجریه به عنوان نهاد مناسب برای انجام فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون

هم‌زمان با طرح مباحثی راجع به تعاریف، مؤلفه‌ها و رویه‌های ارزیابی تأثیرات قانون، مساله نهاد یا نهادهای مسئول و نحوه مشارکت یا تقسیم کار میان نهادها برای انجام فرایند مورد بحث نیز توسط صاحب‌نظران و نهادهای تخصصی علاقه‌مند، همواره مطرح بوده است. دغدغه ارتقای کیفیت قانون، بیشتر در پارلمان و نهادهای پژوهشی وابسته به آن مطرح شده است و پارلمان‌ها با در نظر گرفتن

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

مقتضیات انجام فرایند ارزیابی تأثیرات قانون و مقدورات خود، تلاش کرده‌اند با ملاحظه و حفظ اختیارات تقنینی خود، تکلیف مورد بحث را برای نهادهای اجرایی تعریف کنند.

بر مبنای توضیحات پیشین، همچنین تجربیات کشورهای پیشرو و موفق، به نظر می‌رسد قوه مجریه، مناسب‌ترین قوه برای انجام تکلیف ارزیابی تأثیرات قانون است؛ بدین‌ترتیب، نهادی که مرجع اصلی تهیه پیش‌نویس قانون در قالب لایحه است، موظف است در ضمن تهیه پیش‌نویس، تأثیرات هر مقرره را نیز ارزیابی کند. در ادامه توضیح داده خواهد شد که نهاد محوری برای انجام ارزیابی تأثیرات هر لایحه، باید وزارتخانه مربوط مدنظر گرفته شود. وزارتخانه‌ها، از امکانات لازم برای انجام ارزیابی تأثیرات هر لایحه برخوردارند؛ امکاناتی از جمله دفاتر حقوقی، نهادهای پژوهشی و منابع اطلاعاتی و بانک‌های آماری لازم و از همه مهم‌تر، نیروی کارشناسی مرتبط.

## ۱-۳. معرفی نهادهای مسئول ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون در برخی از کشورها

در این گفتار، به‌طور خلاصه به نهادهای مسئول ارزیابی تأثیرات قانون در سه کشور انگلستان، آمریکا و مکزیک، پرداخته شده است. مروری بر تجارب کشورها نشان می‌دهد فرایند ارزیابی تأثیرات، عمدتاً توسط دستگاه‌های اجرایی مسئول در قوه مجریه ـ که مسئولیت تدوین پیش‌نویس لایحه را نیز برعهده دارند ـ صورت می‌گیرد.

### ۱-۱-۳. انگلستان

نهادهای متعددی در انگلستان، مسئولیت ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری در انگلستان را بر عهده دارند و هریک در حدود اختیارات و تکالیف خود، در این فرایند مشارکت می‌کنند؛ این نهادها عبارتند از: واحدهای وزارتی ارزیابی تأثیرات؛ بخش بنگاه‌های کوچک؛ ستاد مقررات‌گذاری بهتر؛ اتاق‌های بازرگانی؛ فدراسیون بنگاه‌های تجاری؛ وزارت بازرگانی و صنایع؛ وزرای دولت؛ دیوان ملی محاسبات؛ اداره نخست وزیری؛ دفتر هیئت وزیران؛ مؤسسه مدیران؛ و کنفدراسیون صنعت انگلستان (ژاکوبز، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

در انگلستان، در سال ۱۹۹۲، مسئولیت هماهنگ کردن مقررات‌گذاری از سازمان تجارت و صنایع، که به طور عمده بر ارزیابی تأثیرات تجاری متمرکز بود، به هیأت وزیران محول شد که تأثیرات مقررات‌گذاری را بر خدمات عمومی و بخش‌های خصوصی ارزیابی می‌کرد. انجام ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری در سال ۱۹۹۸ رسمیت یافت. هدف عمده این ارزیابی‌ها، حذف تشریفات زائد و بوروکراسی (دیوان‌سالاری) در کسب‌وکارها و بنگاه‌های کوچک بود. واگذاری امور مربوط به ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری به کابینه،

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

جایگاه آن را ارتقا داده بود و حمایت سیاسی از آن را تضمین کرده بود. در سال ۱۹۹۷ با تغییر دولت در انگلستان، شیوه اِعمال ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری نیز تغییر کرد و در قالب طرحی با عنوان «ارزیابی مقررات‌گذاری»[1] پیگیری شد. همچنین، «واحد تأثیرات مقررات‌گذاری»[2] در هیأت وزیران تشکیل شد. علاوه بر این، هر وزارتخانه یا اداره، از یک واحد وزارتیِ ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری[3] برخوردار شد که دستورالعمل‌های لازم را خطاب به مسئولان ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری صادر می‌کند(ژاکوبز، ۱۳۹۲: ۱۶۱). «هیات اجرایی مقررات‌گذاری بهتر»[4] یکی دیگر از نهادهای داخلی هیأت وزیران بود که در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد و هدف آن، پیشبرد «برنامه مقررات‌گذاری بهتر» دولت بود. این هیات وظایفی را که پیش‌تر بر عهده «واحد آثار مقررات‌گذاری» بود، بر عهده داشت. وظایف این نهاد عبارت بود از: همکاری با نهادهای مقررات‌گذار درخصوص بررسی دقیق رویکردهای سیاستگذاری، ارتقاء و بهبود برنامه مقررات‌گذاری بهتر دولت، تدوین مقررات جدید کارآمد، بررسی نحوه اصلاح یا نسخ مقررات قدیمی، کاهش فشار مالی و اداری مقررات بر بخش خصوصی، ارتقای شفافیت و پاسخگویی در مقررات و اطلاع‌رسانی دقیق در خصوص اصلاحات مقررات، تقویت هماهنگی در خصوص دریافت و بررسی پیشنهادهای اصلاحی در قوانین و مقررات، نظارت بر سازمان‌ها در خصوص پیشرفت آنها در اصلاح فرایند مقررات‌گذاری و همکاری با سازمان‌ها برای تغییر فرهنگ مقررات‌گذاری (فریادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷–۱۳۵). همچنین از ابتدای سال ۲۰۰۶، «کمیسیون مقررات‌گذاری بهتر»، [5] جایگزین «ستاد مقررات‌گذاری بهتر»[6] شد که در سال ۱۹۹۷ برای مشاوره به دولت در زمینه مقررات‌گذاری تشکیل شده بود (ژاکوبز، ۱۳۹۲: ۱۶۲). این نهاد دائمی، مسئولیت‌های تکمیلی برای نظارت بر سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر در خصوص تطبیق اقدامات آنها با اهداف مقررات‌گذاری بهتر را نیز بر عهده گرفت. هدف از تأسیس کمیسیون مذکور، ارائه مشورت‌های مستقل به دولت در خصوص متون پیشنهادی مقررات، همچنین بررسی تمامی اقدامات مقررات‌گذاری دولت است (فریادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

1. Regulatory Appraisal
2. Regulatory Impact Unit (RIU)
3. Departmental Regulatory Impact Unit (DRIU)
4. Better Regulation Executive (BRE)
5. Better Regulation Commission
6. Better Regulation Task Force (BRTF)

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

### ۲-۱-۳. آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، از سال ۱۹۷۸، «ارزیابی‌های تأثیرات تورم»[1] در نظام اداری اجرا شد. این شیوه ارزیابی با استفاده از تحلیل‌های هزینه – فایده گسترش یافت. به موجب فرمان اجرایی شماره ۱۲۰۴۴ ریاست‌جمهوری، کلیه نهادهای قوه مجریه موظف بودند تا آثار مقررات مهم خود را مورد ارزیابی قرار دهند و به راه‌حل‌های جایگزین مناسب نیز توجه داشته باشند. در سال ۱۹۸۰، به‌موجب «قانون کاهش کاغذبازی»،[2]«اداره اطلاع‌رسانی و امور مقررات‌گذاری»، وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری، زیر نظر «اداره مدیریت و بودجه»[3] برای انجام ارزیابی‌های اقتصادی لوایح قانونی و بررسی تأثیر سیاست‌های دولت در حوزه فناوری اطلاعاتی، سیاست‌های اطلاعاتی و حوزه خصوصی شهروندان، تدوین سیاست‌های آماری و ارائه مشورت به دیگر نهادهای قوه مجریه در خصوص تدوین پیش‌نویس مقررات، تشکیل شد. اداره مذکور با انجام ارزیابی‌های کارشناسی درخصوص پیش‌نویس لوایح قانونی، نقش اصلی در فرایند تدوین پیش‌نویس لوایح را بر عهده دارد؛ به‌طوری که نظام مقررات‌گذاری فدرال توسط اداره اطلاعات و امور مقررات‌گذاری فدرال اداره می‌شود (فریادی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). رویه ارزیابی هزینه ـ فایده در نظام مقررات‌گذاری ایالات متحده آمریکا، به رویه‌ای فراگیر و معمول تبدیل شده است و همچنان در حال تکامل است. برای نمونه، تعدادی لایحه در یکصدوسیزدهمین اجلاسیه (در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴) کنگره درخصوص تنقیح، بسط یا اصلاحات دیگر بر مقررات موجود برای هزینه ـ فایده یا دیگر انواع تحلیل ارزیابی تأثیرات، ارائه شد. برخی از لوایح مذکور، اصول و مفاد فرمان اجرایی رئیس‌جمهور (شماره ۱۲۸۶۶) را بر همه نهادها یا قواعد، بسط و گسترش می‌دهند؛ برخی از آنها تحلیل هزینه‌ـ فایده را صرفاً برای برخی نهادها مقرر کرده‌اند و برخی از لوایح، تغییر الزامات تحلیلی موجود در قوانین پیشین را اصلاح کرده‌اند .(Congressional Research Service, 2014: 26)

«اداره مدیریت و بودجه» نیز یکی دیگر از گسترده‌ترین نهادهای هیأت دولت در این کشور است که به منظور کمک به رئیس‌جمهور در نظارت بر تهیه بودجه فدرال و نظارت بر مدیریت آن در نهادهای قوه مجریه تأسیس شده و وظیفه هماهنگ‌سازی مقررات‌گذاری، کمک به رئیس‌جمهور درخصوص تهیه و تدوین مقررات، آشنا ساختن ادارات با رویکرد مقررات‌گذاری هیأت دولت و تضمین اینکه کلیه نظرات

1. Inflation Impact Assessments
2. Paperwork Reduction Act
3. Office of Management and Budget (OMB)

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

افراد ذی‌نفع و کارشناسان مربوطه در مقررات‌گذاری لحاظ شده است را بر عهده دارد (فریادی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

### ۳-۱-۳. مکزیک

دولت مکزیک نیز مانند استرالیا، یکی از محورهای اصلی تلاش‌های خود را در خصوص اصلاح قوانین و مقررات را با اجرای برنامه‌ای در زمینه مقررات‌زدایی (طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۴) آغاز کرد. به این منظور، دولت نهاد جدیدی به نام «واحد مقررات‌زدایی اقتصادی»[1] را تأسیس کرد که زیرمجموعه کوچک و قدرتمندی از «وزارت تجارت و توسعه صنعتی» مکزیک محسوب می‌شد. این واحد، نقشی محوری در پیشبرد مقررات‌زدایی در زمینه تعدادی از صنایع کلیدی، از جمله صنایع حمل‌ونقل، بنادر و مخابرات ایفا کرد (کردوا نویون، ۱۳۹۲: ۳۰۹).

پس از تلاش‌های پیش‌گفته با محوریت مقررات‌زدایی، توجه دولت به اصلاح نظام مقررات‌گذاری به طور جامع‌تر معطوف شد. در این راستا، ابتدا قانونی با عنوان «قانون مقیاس‌ها و استانداردهای فدرال»[2] در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. پس از آن، در «قانون رویه‌های اداری فدرال»[3] (مصوب سال ۱۹۹۴)، «اصول سیاست مقررات‌گذاری» به تصویب رسید (Querbach and Arndt: 2017). به‌طور خاص در خصوص ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری، در سال ۱۹۹۶، رئیس‌جمهور مکزیک با جلب حمایت بخش خصوصی و همکاری دفتر حقوقی ریاست‌جمهوری، اصلاحیه‌ای را برای «قانون رویه‌های اداری فدرال» پیشنهاد داد که برای اولین بار در مکزیک، یک نظام تکامل‌یافته ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری را پایه‌گذاری می‌کرد. به‌موجب اصلاحیه مذکور، همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فدرال باید همه پیش‌نویس‌های مقرراتی را که بالقوه بر فعالیت تجاری تأثیر می‌گذارند، برای بررسی و بازنگری و ارزیابی تأثیرات، به «واحد مقررات‌زدایی اقتصادی» ارسال کنند. یکی از مهمترین اقدامات واحد مذکور، تدوین معیارهایی با محوریت ارزیابی تأثیرات مقررات برای وزرا در خصوص تصویب مقررات جدید بود (World Bank, 2010: 37). گرچه تأسیس و فعالیت واحد مقررات‌زدایی اقتصادی، به اجرایی کردن فرایند ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری انجامید، ولی الزام به شفاف‌سازی پیش‌نویس‌ها و طرح‌های ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری برای عموم کامل محقق نشد؛ برای انتشار پیش‌نویس‌طرح‌های پیشنهادی دریافتی، الزامی پیش‌بینی نشده بود. سرانجام واحد مقررات‌زدایی اقتصادی، کتابچه راهنمای مبسوطی را در زمینه ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری که قابل

1. Economic Deregulation Unit (UDE)
2. Federal Metrology and Standards Law
3. Federal Administrative Procedures Law

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

دسترس و مقبول برای وزارتخانه‌ها باشد، تهیه کرد. واحد مقررات‌زدایی اقتصادی، با ارائه کمک‌های فنی به مقامات مقرراتگذار، به آنها برای بهبود کیفیت ارزیابی تأثیرات مقررات مصوب خود کمک کرد (کردوا نویون، ۱۳۹۲: ۳۱۵-۳۱۴).

«واحد مقررات‌زدایی اقتصادی» در سال ۲۰۰۰ به «کمیسیون بهبود مقررات‌گذاری فدرال»[1] تبدیل شد. طی این تحول، اختیارات این نهاد توسعه یافت و پشتیبانی قانونی از بسیاری از اختیارات آن برقرار شد. کمیسیون مذکور، اصول و ضوابط مربوط به کیفیت و شفافیت مقررات‌گذاری را برای نهادهای بخش عمومی تدوین و تصویب کرد. ریاست کمیسیون، بر عهده مدیرکلی است که از سوی رئیس‌جمهور مکزیک منصوب می‌شود و از اختیارات ساماندهی ساختار و کارکردهای کمیسیون برخوردار است (World Bank, 2010: 37).

## ۲-۳. برخی از دلایل مناسب بودن قوه مجریه برای انجام فرایند ارزیابی تأثیرات قانون

از آنجا که قوه مجریه به‌عنوان نهاد ذی‌صلاح و مناسب برای تهیه پیش‌نویس قانون محسوب می‌شود، طبعاً فرایند ارزیابی تأثیرات نیز بر عهدهٔ قوه مذکور خواهد بود. در ادامه، توضیح می‌دهیم که ارزیابی تأثیرات، نیازمند لوازم و سازوکارهایی است که در اختیار و دسترس دستگاه‌های دولتی است.

### ۱-۲-۳. دسترسی به اطلاعات

انجام ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری در هر موضوع، مستلزم سطحی از دشواری و پیچیدگی است که اغلب آنها، به‌میزان و عمق اطلاعات موجود در آن حوزه بستگی دارد.[2] بدین ترتیب، در اختیار داشتن اطلاعات به‌روز و معتبر در خصوص موضوع هر قانون و مقرره، یکی از مهمترین نیازهای ارزیابی تأثیرات قانون به طور خاص، و نظام تدوین قوانین و مقررات به طور کلی است. وینتر[3] در جست‌وجوی آنچه «الگوی بحث و رایزنی فرایند قانون‌گذاری و ارزیابی نظام‌مند قانون»[4] می‌نامد، چنین می‌نویسد: «کیفیت یک قانون که طی فرایندی تقنینی تولید می‌شود، وقتی ارتقا می‌یابد که اطلاعات قابل اتکا از شرایطی

---

1. Federal Regulatory Improvement Commission (Cofemer)

۲. برای نمونه در یکی از گزارش‌های اخیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، الزامات ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری در بخش حمل‌ونقل تبیین شده است و ابزارها، ساختارها و روش‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است؛ ر. ک. :
Casullo and Zhivov, 2017: 52.

۳. Heinrich Winter

۴. Forum Model of the Legislative Process and Systematic Evaluation of Legislation

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

که یک قانون باید در آن شرایط عمل کند در دسترس باشد ... ارزیابی به ارزش فرایند تقنینی می‌افزاید، چرا که پیش‌فرض‌هایی را که یک قانون براساس آنها استوار است، مورد بررسی و آزمون قرار می‌دهد، و امکان ارزیابی اطلاعات مربوط به کارکرد قانون و شرایطی که بر عملکرد آن تأثیر می‌گذارد را برای قانون‌گذار فراهم می‌کند. این اطلاعات فرایند قانون‌گذاری را تشریح کرده و به کیفیت مباحثات درباره قانون‌گذاری [و همچنین خود قانون] کمک می‌کند» (فلورز، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۳).

اطلاعات به‌روز و معتبر، در مواردی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای اِعمال نفوذ و صلاحدیدهای شخصی مقامات اداری به‌کار می‌رود. به همین دلیل است که مقامات اداری، با وجود الزام قانونی، چندان تمایلی برای به‌اشتراک گذاشتن آنها با دیگران ندارند. طبعاً این عدم تمایل، درخصوص اعضای پارلمان که قادرند با استناد به اطلاعات دریافت‌شده از مقامات قوه مجریه، به پیگیری و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد آنها بپردازند، بیشتر خواهد بود. عملی‌ترین و باصرفه‌ترین راه برای ترغیب اعضای قوه مجریه به انتشار و به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات انحصاری، الزام آنان به استفاده از اطلاعات در فرایندهایی مانند ارزیابی تأثیرات پیشینی قوانین و مقررات است. البته در مواردی نیز ضرورت بهره‌گیری و استفاده از اطلاعات، انگیزه‌ای برای دستگاه یا دستگاه‌های ذی‌ربط برای گردآوری، تجمیع و به‌روزرسانی داده‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی فراهم خواهد کرد. بر همین اساس است که «آمارهای ملی» یک کالای عمومی باارزش تلقی می‌شوند که اختصاص بودجه بابت جمع‌آوری، تدوین و انتشار آنها، توجیه‌پذیر بوده و دسترسی همه کاربران را از داده‌های معتبر، دقیق و به‌موقع، تضمین می‌کند (آکادمی ملی علوم، ۱۳۹۶: ۱۰).

### ۲-۲-۳. برخورداری از ساختار و تشکیلات مقتضی

چنانکه گفته شد، انجام فرایند ارزیابی تأثیرات، نیازمند برخورداری از نهادهای متعدد و طی تشریفات بوروکراتیک است. در اغلب کشورها، واحد متمرکزی برای هدایت و انجام ارزیابی تأثیرات وجود ندارد و هر وزارتخانه‌ای براساس توانایی خود ارزیابی را انجام می‌دهد. نکته اصلی این است که دولت می‌تواند همواره از منابع مالی و انسانی سرشار و قوی‌تر وزارتخانه‌هایش برای تهیه گزارش ارزیابی تأثیرات بهره‌مند شود. در مقایسه، پارلمان‌ها اغلب امکانات کمتری در این خصوص دارند. با وجود این، ابتکار عمل سیاسی انجام ارزیابی تأثیرات جزء کارکرد اصلی پارلمان‌هاست (زرشکن‌عابد، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۰).

با توجه به خصوصیات و کارکردهای قوا، وضعیت کلی در همه کشورها آن است که قوه مقننه فاقد توان رقابت با متخصصان سیاست‌گذاری و بوروکرات‌هایی است که در قوه مجریه خدمت می‌کنند؛ چنانکه مزی می‌نویسد: «در مقایسه با متخصصان قوه مجریه، کارمندان و نمایندگان پارلمان در بهترین وضعیت،

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

کارشناسان عادی و ساده‌ای هستند که فقط اطلاعاتی کلی در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری دارند؛ همچنین قوای مقننه، همواره در تحدید قوه مجریه در حوزه‌های سیاست خارجی و نظامی عاجز بوده‌اند؛ زیرا در هر دو حوزه، فاقد متخصص‌اند و در بیشتر کشورها اولویت و حق تقدم در زمینه چنین موضوعاتی با رئیس قوه مجریه است.» (مزی، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

از سوی دیگر، یکی از راه‌های ارتقای کارآمدی فرایند قانون‌گذاری، حصول اطمینان از کیفیت مطلوب تهیه پیش‌نویس لوایح است. تهیه پیش‌نویس قانون، نیازمند مهارت‌ها و آموزش‌های خاص است. دولت، تهیه پیش‌نویس بسیاری از لوایح را بر عهده وزارتخانه‌های دولتی صلاحیت‌دار در خصوص موضوع یا وزرای کابینه‌قرار می‌دهد. البته اعضای قوه مجریه نیز در این کار، بر متخصصان تهیه پیش‌نویس قانون، [1] متکی هستند. در هلند، هر وزارتخانه از یک «بخش قانون‌گذاری» [2] برخوردار است که «کارمندان اداری متخصصِ تهیه پیش‌نویس قانون»، [3] تحت نظارت کمیسیون بین‌وزارتخانه‌ای در وزارت دادگستری، به این کار اشتغال دارند. در انگلستان، تقریباً پیش‌نویس همه لوایح دولتی را نهادی با عنوان «اداره شورای پارلمانی» [4] تهیه می‌کنند که شامل کارمندانی از میان حقوقدانان، وکلا و مشاوران حقوقی در اداره شورای مشاوران سلطنتی است. این اداره همچنین درخصوص اصلاحات پیشنهادی در خلال تصویب یک لایحه مشاوره می‌دهد (مویل، ۱۳۹۰: ۲۸۴). در انگلستان، با توجه به مقتضیات نظام پارلمانی، یک نماینده می‌تواند برای تهیه پیش‌نویس قانون از کمک‌های دولت بهره‌مند شود؛ به‌ویژه کمک تهیه‌کنندگان پیش‌نویس لوایح در اداره شورای پارلمانی)؛ البته به شرطی که دولت از لایحه حمایت کند (مویل، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۸۴).

## ٤. ملاحظات مهم برای اجرایی شدن فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون در ایران

اجرای فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون (همچنین پسینی)، مستلزم درنظرداشتن ملاحظاتی مهم، به‌ویژه برخاسته از اصول قانون‌گذاری است. در ادامه، در قالب سه عنوان، به این ملاحظات پرداخته شده است.

1. Legislative drafting
2. Legislation Division
3. "wetgevingsambtenaren"
4. Parliamentary Counsel Office

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

## ۱-٤. فرایند ارزیابی تأثیرات قانون به عنوان یکی از مؤلفه‌های بسته اصلاح نظام مقررات‌گذاری

اصلاح نظام مقررات‌گذاری باید به‌عنوان یک بسته یا منظومه در نظر گرفته شود که هرگونه بهبود در آن، مستلزم واکاوی مؤلفه‌های متعدد آن و درنظر گرفتن اصلاحات مقتضی برای هر یک از اجزای منظومه مقررات‌گذاری است. نکته بسیار مهم آن است که ارزیابی تأثیرات قانون نیز در کنار اصول مؤلفه‌ها و فرایندهایی مانند اصول مربوط به نگارش متن، کمیسیون‌محوری و تدوین و تنقیح قوانین (کدیفیکاسیون)، جزئی از منظومه‌ای با عنوان «نظام مقررات‌گذاری»[1] و یا «سیاست‌های مقررات‌گذاری»[2] محسوب می‌شود. «سیاست‌های مقررات‌گذاری» به مجموع تدابیر لازم برای ارتقای کیفیت مقررات‌گذاری اطلاق شده است. هدف از سیاست‌های مقررات‌گذاری، «تضمین حمایت مقررات‌گذاری از رشد اقتصادی و توسعه، دستیابی به اهداف گسترده‌تر اجتماعی مانند رفاه اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی، همچنین تقویت حاکمیت قانون است. دستیابی به این اهداف مستلزم تضمین آن است که مقررات و چارچوب‌ها، مقرراتی واجد کیفیتی قابل قبول باشند و دسترسی به اهداف سیاست، موجه‌سازی شده باشند. این امر کمک می‌کند که سیاست‌گذاران به تصمیماتی کارشناسانه و درست دربارهٔ اینکه چه مقرراتی وضع کنند، برای چه کسانی مقررات‌گذاری کنند و چگونه مقررات‌گذاری کنند، دست‌یابند. به‌عنوان یک جزء اساسی از حکمرانی عمومی، سیاست مقررات‌گذاری همچنین به شکل‌دهی روابط بین دولت، شهروندان، کسب‌وکارها و جامعه مدنی کمک می‌کند.» (OECD, 2002: 31).

طبعاً اجزای این نظام باید به‌طور هماهنگ و منسجم کار کنند تا دستاورد نهایی (در اینجا قانون)؛ قابل‌قبول و اثربخش باشد. بر همین سیاق، هرگونه اصلاح در اجزای نظام مقررات‌گذاری نیز باید با اصلاح دیگر مؤلفه‌های این نظام همراه باشد و الزامات و ملزومات آن درنظر گرفته شود. درخصوص طراحی و پیاده‌سازی سازوکار ارزیابی تأثیرات قانون نیز ملاحظات پیش‌گفته واجد اهمیت است. بی‌تردید، سازوکار ارزیابی تأثیرات قانون در یک نظام قانون‌گذاری طرح‌محور (غلبه ابتکار قانون‌گذاری از طریق طرح‌های ارائه‌شده توسط نمایندگان)، به نتایج مورد انتظار منتهی نخواهد شد؛ چرا که بر مبنای همان دلایل، لزوم پایبندی به لایحه‌محوری در ابتکار قانون‌گذاری و ارزیابی تأثیرات پیشینی یک پیش‌نویس قانونی، علی‌الاصول باید از طریق دستگاه‌های اجرایی صورت گیرد. به‌عبارت دیگر، اگر قوه مقننه از ابزارها و امکانات لازم برای ارزیابی تأثیرات پیش‌نویس قانونی برخوردار بود، ضرورتی برای توصیه به منع

1. Regulatory System
2. Regulatory Policies

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

آن از ابتکار قانون‌گذاری وجود نداشت؛ بدین‌ترتیب، اگر عزمی بر آغاز فرایند ارزیابی تأثیرات قانون در ایران وجود داشته باشد، باید معضلات و آسیب‌هایی از قبیل تعلل و کم‌کاری دولت در ارائه به‌موقع لوایح قانون مورد نیاز و تعدد طرح‌های ارائه‌شده به مجلس توسط نمایندگان، ترمیم شود. به‌طور خلاصه باید در هرگونه پیشنهادی برای عملیاتی‌کردن فرایند ارزیابی تأثیرات قانون (در اینجا در مرحله پیشینی)، ابتدا اصل ابتکار قانون از طریق لایحه (لایحه‌محوری) را مورد توجه قرار داد؛ سپس بر سازوکار ارزیابی تأثیرات پیشینی لایحه در وزارتخانه‌ها و دستگاه اجرایی مربوط، تمرکز کرد. در یکی از مطالعات انجام‌شده، با ذکر شواهد و نمونه‌های متعددی، غلبه چشمگیر تعداد طرح‌های ارائه‌شده به مجلس بر لوایح در دوره‌های نهم و دهم تقنینی در ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل نظام قانون‌گذاری، نقد و بررسی شده و پیامدهای سوء این وضعیت، تبیین شده است (مرکزمالمیری، ۱۳۹۹: ۱۵-۷). مدعای تبیین‌شده در پژوهش مذکور آن است که رعایت اصول قانون‌گذاری، به‌ویژه در مرحله تهیه پیش‌نویس قانون، در ابتکار قانون‌گذاری از طریق لایحه، بسیار بیشتر از ابتکار قانون‌گذاری از طریق طرح صورت می‌گیرد؛ چرا که تهیه پیش‌نویس قانون خوب، نیازمند بهره‌گیری از نیروی کارشناسی زبده، ساختار مناسب و دسترسی و در اختیار داشتن آمار و اطلاعات لازم در قالب بانک‌های اطلاعاتی و ارزیابی‌های قابل اتکا از وضعیت موجود و ایده‌ال در هر حوزه است و الزامات پیش‌گفته، برای قوه مجریه به‌مراتب بیش از قوه مقننه، فراهم است.

### ۲-٤. ضرورت احتیاط برای گرفتار نشدن در «دام‌های قابلیت»[1]

به‌نظر می‌رسد بسیاری از اصلاحات نهادی که در کشور به نتیجه نرسیده است، گرفتار «دام‌های قابلیت» شده است. دو پدیده، باعث ایجاد «دام‌های قابلیت» می‌شود: اول، «ادای هم‌شکلی»[2] و دوم، «تحمل بار زودهنگام».[3]

برخلاف سازوکارهایی مانند تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (کدیفیکاسیون)، مقررات‌زدایی (یا حذف قوانین دست‌وپاگیر و مخل کسب‌وکار)، اصلاح نظام مالیاتی و اصلاح نظام بودجه‌ریزی که به انحای مختلف آغاز شده ـ اما همچنان در طی فرایند اجرا ناکام مانده است ـ اجرای سازوکار ارزیابی تأثیرات قانون، اساساً در ایران آغاز نشده است. از این مهم‌تر، برخلاف دیگر موارد اصلاح نهادی، درخصوص

1. "Capability Traps"
2. "Isomorphic Mimicry"
3. Premature Load Bearing

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

فرایند ارزیابی تأثیرات قانون، حتی مقرره‌ای نیز به تصویب نرسیده است.[۱]این واقعیت البته از یک حیث می‌تواند برای اجرای مؤثر فرایند ارزیابی قانون، امیدبخش و به عنوان فرصت تلقی شود. توضیح این‌که در اجرای سازوکارهایی مانند مواردی که ذکر شد، موانع نهادی متعددی وجود دارد که یکی از آنها، با عبارت «ادای هم‌شکلی» توصیف شده است (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۱۰۰–۸۵).[۲] در این حالت، کشورها تلاش می‌کنند از «بهترین سرمشق» برای حل یک یا چند مساله، الگوبرداری کنند؛ اما از آنجا که فاقد قابلیت‌های نهادی و بوروکراتیک و دیگر الزامات اجرای هر سیاست و برنامه هستند، اجرای سیاست یا برنامه با مانع مواجه شده است. برای مثال، سامانه‌های تجارت خارجی یا کنترل فساد یا شفاف‌سازی تدارکات عمومی طبق الگوهای موفقِ توصیه‌شده، راه‌اندازی می‌شوند؛ اما در عمل، کارکردهای لازم را در جهت شفافیت و سلامت اقتصادی به‌دنبال ندارند. در «ادای هم‌شکلی»، شکل و کارکرد با یکدیگر خلط می‌شوند و «شبیه‌بودن»، جایگزین «کاری‌کردن» می‌شود (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۸۷). در واقع، اسناد سیاستی یا قانونی که تدوین شده، شکل نهادها را تقلید کرده است؛ «هم‌شکل‌گرایی از طریق پیوند زدن بهترین سرمشق، به دولت‌ها و وزارتخانه‌ها امکان می‌دهد تا با تقلید محض از شکل نهادها (به‌جای این‌که سراغ کارکرد یا عملکرد اثبات‌شده بروند)، مشروعیت خود را حفظ کنند. این تلاش‌های اصلاحاتی به آنها امکان می‌دهد تا «شبیه حکومت به نظر برسند، بدون این‌که واقعاً آن حکومت باشند.» (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۱۰۲–۱۰۱).

بدین‌ترتیب که سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و مجریان تصور می‌کنند؛ به صِرف تصویب قانون یا مقرره‌ای درخصوص هر مشکل؛ مساله حل شده یا اصلاحات مورد نظر صورت‌گرفته است؛ ولی چنین نیست. درخصوص فرایند ارزیابی تأثیرات قانون، می‌توان قوانین و مقرراتی برمبنای الگوهای اجرا شده در برخی کشورهای موفق در این حوزه، به تصویب رساند. برای مثال، چک‌لیست‌های متعددی از انواع ارزیابی‌ها در دسترس است؛ اما سؤال این است که آیا با صِرف تصویب چنین قوانین و مقرراتی، حتی با فرض تکمیل‌کردن چک‌لیست‌ها ـ برگزیدن یکی از گزینه‌های بلی یا خیر یا خیلی‌کم، کم، خوب و خیلی‌زیاد برای فهرستی از سؤالات راجع به ارزیابی تأثیرات هر لایحه یا طرح ـ می‌توان گفت فرایند ارزیابی تأثیرات قانون انجام شده است؟

---

۱. برای مطالعه رگه‌هایی از توجه نظام حقوقی ایران به مؤلفه‌های ارزیابی تأثیرات قوانین و مقررات و وظایفی مشابه با ارزیابی تأثیرات قوانین برای برخی نهادها در کشور، ر. ک. : حبیب‌نژاد و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۶–۳۲.

۲. این اصطلاح، یکی از مؤلفه نظریه‌ای با عنوان «رویکرد انطباق تکرارشونده مسأله‌محور» (PDIA) است که در اثر مذکور تشریح شده است.

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

آنچه در این نوشتار برای تبیین آن تلاش شده است، ظرایف و پیچیدگی‌های اجرایی‌کردن فرایند ارزیابی تأثیرات قانون با در نظر گرفتن فقدان لوازم نهادی این سازوکار در ایران است؛ به‌عبارت دقیق‌تر، نباید تجربه تلخ اجرای فرایند تدوین و تنقیح قوانین که همچنان در کشاکش عدم‌هماهنگی‌های نهادی بین قوا بر زمین مانده است، درخصوص سازوکار ارزیابی تأثیرات قوانین نیز تکرار شود. در مورد پیش‌گفته، قوانین و مقررات تصویب‌شده، همچنان روی کاغذ باقی مانده و به‌کارگیری بهترین سرمشق‌ها در محیط فاقد قابلیت یا کم‌قابلیت، به فرایندی انجامیده که از آن به «فرایند جدا شدن»[1] یاد شده است (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۱۱۶). در فرایند مذکور، سرمشق خیالی در کتاب‌های قانون و مقررات باقی خواهند ماند (نظام حقوقی/ رسمی)، اما منجر به اصلاحاتی کارآمد در عمل نخواهند شد (نظام واقعی/ حقیقی). این فرایند تا به آنجا ادامه خواهد یافت که «مقبولیت هنجاری»[2] به‌شدت تضعیف می‌شود و قانون، فاقد کارایی و کارامدی به‌نظر خواهد رسید. در این حالت، «وظایفی که سازمان نمی‌تواند انجام دهد، بر سرش خراب خواهد شد، و اگر دقیق‌تر بگوییم، وسوسه‌ای قوی در سازمان به‌وجود می‌آید که پشت ماسک ادای هم‌شکلی درآوردن پنهان شود تا اقدامات خود را توجیه کند و جریان منابع دریافتی برقرار بماند» (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

بی‌تردید، آنچه گفته شد، به‌معنای نفی استفاده از دستاوردها و تجربیات موفق کشورهای پیشرو در زمینه‌های طراحی و اِعمال سازوکارهایی مانند ارزیابی تأثیرات قانون نیست؛ آسیب‌های پیش‌گفته، چالش‌ها و پیچیدگی‌های انجام فرایند ارزیابی تأثیرات قانون را توضیح می‌دهد و بر اجرای تدریجی و مرحله‌ای این فرایند تأکید می‌کند. در صورت عدم‌ملاحظه دقیق و جدی چالش‌ها و آسیب‌های اجرای فرایند ارزیابی تأثیرات، چه‌بسا آنچه قرار بوده «راه‌حل» باشد، خود تبدیل به بخشی از مساله شود. در ادامه، بر ضرورت انجام مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات قانون با توضیح پدیده «تحمل بار زودهنگام» که یکی دیگر از اجزای «دام‌های قابلیت» است، تأکید می‌کنیم.

### ۳-٤. ضرورت انجام مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات قانون

در بخش‌های پیشین؛ لوازم، هزینه‌ها و دیگر سازوکارهای نهادی متعدد برای انجام فرایند ارزیابی تأثیرات قانون تبیین شد و توضیح داده شد که به‌دلیل پیش‌نیازهای متعدد، کشورهای معدودی موفق به انجام این فرایند به‌نحو کارآمد و اثربخش شده‌اند. هزینه‌ها و دشواری‌های روش‌شناسی این فرایند به‌حدی است

1. Decoupling Process
2. Normative Traction

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

که برخی صاحب‌نظران، اساساً برآوردی ناامیدکننده از میزان توفیق کشورها در اجرای آن داشته‌اند و بر این باورند که شواهد معدود و نامعتبری وجود دارد که نشان دهد انجام ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری، تفاوتی قابل اعتنا در کیفیت مقررات‌گذاری ایجاد کرده است (هان و تتلاک، ۱۳۹۲: ۱۷).

تبیین‌های متعددی برای این وضعیت نسبتاً بد ارائه شده است؛ از جمله یکی از تبیین‌های سیاسی برای وضعیت گفته‌شده در مورد ارزیابی تأثیرات اقتصادی، آن است که برخی گروه‌های ذی‌نفع، بهره‌گیری از تحلیل‌های اقتصادی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مقررات‌گذاری مهم را به دلایلی سیاسی نادیده می‌گیرند. برای مثال، چه‌بسا رؤسای‌جمهور؛ چنین تحلیلی را با ارزش و مقرون به‌صرفه بدانند؛ اما پارلمان چنین تصور کند که انجام تأثیرات مقررات‌گذاری در قوه مجریه، اقتدار و اختیارات قوه مقننه را بیش‌از حد محدود می‌کند و با این تصور، موافق با انجام چنین فرایندی نباشد. تبیین دیگر برای کیفیت ضعیف تحلیل اقتصادی مقررات، دشوار بودن انجام آن است و تبیین دیگر مبتنی بر تبیین دوم، آمادگی نداشتن کارمندان دولت برای انجام این فرایند است (هان و تتلاک، ۱۳۹۲: ۱۷).

با این وصف، هرگونه تدبیر برای عملیاتی‌کردن فرایند ارزیابی تأثیرات قانون (همچنین مقررات) باید با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی همچون قابلیت نیروی انسانی و سازمانی در هر کشور صورت گیرد؛ چنانکه با توجه به ضرورت انجام ارزیابی تأثیرات قانون، سازوکارهایی حداکثری با برآوردهایی خوش‌بینانه از قابلیت سازمانی در قالب قانون یا هر مصوبه دیگری به تصویب برسد؛ چه‌بسا نظام اداری ـ اجرایی نتواند از عهده برآید و این شکست، بر اجرایی‌شدن فرایند مورد بحث در آینده نیز تأثیراتی مخرب داشته باشد. آنچه گفته شد، با عنوان پدیده «تحمل بار زودهنگام» یاد شده است؛ چنانکه اندروز و همکارانش توضیح می‌دهند: «... نیروهای دوگانه «ادای هم‌شکلی درآوردن» و «تحمل بار زودهنگام» اغلب می‌توانند باعث گیرکردن این کشورها در دام‌های قابلیت شوند. واردکردن «بهترین سرمشق‌ها» و ایجاد انتظارات غیرواقعی ـ با این پیش‌فرض که سطح عملکرد و سرعت تغییری که در جاهای دیگر حاصل شده، در هر جایی از جمله «اینجا» هم ممکن است ـ وسوسه‌انگیز هستند... انتظارات به‌شدت خوش‌بینانه از نرخ تغییر احتمالی قابلیت حکومت... باعث شکست مداوم در اجرا می‌شوند» (اندروز، پریچت و وولکاک، ۱۳۹۸: ۱۱۳–۱۱۱).

با توجه به نکات گفته‌شده، یعنی احتیاط برای گرفتار نشدن در «دام‌های قابلیت» و پیچیدگی و دشواری عملیاتی کردن فرایند ارزیابی تأثیرات قانون، به‌ویژه مطابق با الگوهای کشورهای پیشرو در اصلاح نظام مقررات‌گذاری، آنچه در این نوشتار پیشنهاد می‌شود، انجام مرحله‌ای فرایند مورد بحث، با الگوگیری از

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

یکی از تجربیات قابل اعتنای دولت در اجرایی کردن مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات قانون (قوانین آزمایشی)، است.

## ۵. پیشنهادی برای عملیاتی شدن فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی طرح‌ها و لوایح

در کشور ما، به‌جز یک مصوبه درخصوص ارزیابی تأثیرات اجرای قوانین آزمایشی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، حتی پیش‌نویس قانونی ـ مقرراتی توسط هیچ‌یک از نهادهای پژوهشی حکومتی منتشر نشده است؛ این در حالی است که لازمه عملیاتی‌شدن فرایند ارزیابی تأثیرات قانون و مقررات در هر نوع، جمع‌بندی پژوهش‌های صورت‌گرفته و انتشار نتایج آن در قالب دست‌کم پیشنهادهایی به نهادهای تصمیم‌گیر است.

در دی‌ماه ۱۳۹۶، یک مقرره در این‌خصوص در دفتر هیأت دولت، تدوین و تصویب شده است که می‌تواند به‌عنوان سندی راهنما برای اجرایی‌شدن سازوکار ارزیابی تأثیرات به طور گسترده‌تر، مورد استفاده قرار گیرد؛ به این شرح که طرح یا دستورالعملی با عنوان «پایش و ارزیابی فرایند و آثار اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی»، توسط دبیر کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری هیأت دولت به معاون امور دولت دفتر هیأت دولت ارسال شده و به کمیسیون‌های دولت نیز ابلاغ شده است (کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری هیأت دولت، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶). طرح مذکور دارای مقدمه‌ای توجیهی، حاوی تعاریف پایش و ارزیابی و فرایند و اجرای آن است. در ذیل عنوان «فرایند اجرای پایش و ارزیابی» توصیه شده است: «... ارزیابی بر روی قوانین آزمایشی متمرکز شود. با این حال، می‌توان با توجه به این‌که از یک طرف، قوانین آزمایشی رو به کاهش است و از سوی دیگر، برای اجرای طرح بر روی همه مصوبات، محدودیت‌های اجرایی در نظام اداری وجود دارد، به‌طور معدود در مورد مصوبات غیرآزمایشی نیز اِعمال نمود».

طرح مورد بررسی، با ملاحظاتی دقیق و واقع‌بینانه درخصوص موانع و دشواری آغاز اجرای فرایند ارزیابی تأثیرات هر قانون و مقرره تدوین شده است؛ بدین ترتیب که:

نخست؛ در آغاز فرایند اجرای ارزیابی تأثیرات، صرفاً اجرای ارزیابی تأثیرات به‌نحو پسینی هدف‌گذاری شده است.

دوم؛ فرایند ارزیابی اجرا، به قوانین آزمایشی محدود شده است. این هدف‌گذاری محدود، از این حیث که هرگونه ارزیابی تأثیرات پسینی قوانین آزمایشی، می‌تواند به نوعی ارزیابی پیشینی نیز محسوب شود،

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

بسیار راهگشاست؛ چرا که ارزیابی اجرای قانون آزمایشی، می‌تواند در فرایند تمدید مهلت اجرا یا تصویب قانون آزمایشی در قالب قانون دائمی، قابل استفاده و بهره‌برداری باشد.

سوم؛ طبق طرح پیشنهادی، کمیسیون‌ها و معاونت امور دولت، «ضمن پایش و ارزیابی قوانین آزمایشی مربوط به خود، داوطلبانه دو قانون مهم یا مصوبه اثرگذار را که در یک سال گذشته به تصویب مرجع صلاحیت‌دار رسیده و ابلاغ شده است، ارزیابی خواهند کرد»؛ بدین‌ترتیب، با در نظرداشتن توان کارشناسی و تشکیلاتی نهادهای دولتی برای انجام فرایندی جدید که نیاز به کسب مهارت‌هایی خاص دارد، ارزیابی اجرای دو قانون، بدون الزام، برای دستگاه‌های مربوط در نظر گرفته شده است.

در کاربرگ ضمیمه گزارش مذکور، درخصوص هر قانون آزمایشی، ۱۰ سؤال به این شرح مطرح شده است:

۱. آیا اجرای قانون آزمایشی نیازمند تصویب آیین‌نامه(ها) یا دستورالعمل(های) اجرایی است؟

۲. مهم‌ترین اهداف برای پیشنهاد تصویب و اجرای قانون آزمایشی چیست؟

۳. آیا اجرای قانون آزمایشی احتیاج به بودجه مستقل دارد؟

۴. آیا اجرای قانون آزمایشی احتیاج به ایجاد تشکیلات خاص دارد؟

۵. آیا اجرای قانون آزمایشی احتیاج به ایجاد هماهنگی برون‌دستگاهی دارد؟

۶. آیا اجرای قانون آزمایشی احتیاج به ایجاد هماهنگی درون‌دستگاهی دارد؟

۷. آیا حکم یا احکام مندرج در قانون از دلالت‌های کافی و صریح برخوردار است؟

۸. غیر از موارد فوق‌الذکر، چه ابزار یا امکاناتی برای اجرای قانون آزمایشی ضروری است؟

۹. زمان مناسب برای سنجش آثار اجرای قانون آزمایشی چه وقت خواهد بود؟

۱۰. پایش و ارزیابی آثار اجرای قانون آزمایشی با چه معیار و سنجه(هایی) صورت خواهد گرفت؟

علاوه بر سؤالات مذکور در کاربرگ شماره ۱، دو کاربرگ دیگر حاوی سؤالاتی مربوط به پیگیری آمار و اطلاعات ارائه‌شده در کاربرگ شماره ۱ نیز طراحی شده که با توجه به قانون مورد نظر، پس از مدت زمان معین، برای دستگاه ذی‌ربط ارسال خواهد شد. به‌عبارت دیگر، دو کاربرگ برای پیگیری سؤالات طرح‌شده در کاربرگ اولیه است.

چنانکه گفته شد، از آنجا که ارزیابی اجرای قانون آزمایشی، با هدف تصمیم‌گیری درخصوص تمدید دوره آزمایشی، اصلاح، لغو یا دائمی‌کردن آن صورت می‌گیرد، می‌تواند به نوعی در ارزیابی پیشینی قانون نیز استفاده شود. به‌عبارت دقیق‌تر، گرچه ظاهراً ارزیابی اجرا به مرحله پس از اجرای قانون اختصاص دارد؛ اما

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

نکته مهم این‌که باید پیش از تصویب قانون، مقتضیات اجرایی، اداری و ... هر قانون در نظر گرفته شود. از این حیث، می‌توان ارزیابی اجرا را مؤلفه‌ای مهم در هم مرحله پیشینی و هم مرحله پسینی ارزیابی در نظر گرفت. گرچه باید منتظر نتایج به‌دست آمده پس از اجرای مصوبه مذکور بود تا بتوان به‌طور دقیق‌تر دربارهٔ اثربخش بودن این نوع ارزیابی، داوری کرد.

## نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد مفهوم و سازوکارهای ارزیابی تأثیرات قانون، با تأکید بر نوع پیشینی آن، همچنین معرفی نهادهای مسئول و رویه‌های جاری در این خصوص در برخی از کشورها، تبیین شود. آغاز فرایند ارزیابی تأثیرات قانون، مستلزم ملاحظاتی مهم است که تضمین‌کننده کارآمدی و اثربخشی این فرایند در نظام تقنینی است. نکته بسیار مهم برای عملیاتی شدن ارزیابی تأثیرات قوانین به‌نحو پیشینی، آن است که نمایندگان مجلس باید اصل ابتکار قانون‌گذاری از طریق لایحه را به رسمیت بشناسند و به الزامات آن پایبند باشند. نظام تقنینی طرح‌محور ـ مانند آنچه در دوره‌های نهم و دهم، همچنین یازدهم قانون‌گذاری در ایران قابل مشاهده است ـ فاقد مختصات نظامی است که بتواند ارزیابی تأثیرات قانون را عملیاتی کند؛ چرا که این فرایند باید توسط دولت و وزارتخانه‌ها، در ضمن تدوین پیش‌نویس لایحه صورت گیرد؛ همچنین باید به این ملاحظه مهم توجه داشت که فرایند ارزیابی تأثیرات قانون، به‌شدت مستعد گرفتار شدن در دام‌های قابلیت (ادای هم‌شکلی و تحمل بار زودهنگام) است و از این حیث، باید مراقبت کافی صورت گیرد.

عملیاتی کردن فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون، مستلزم عزم، همکاری و تعامل ارکان عمومی و خصوصی است. با وجود این، تصویب و ابلاغ طرح (دستورالعمل) «پایش و ارزیابی فرایند و آثار اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی» در دولت ـ مختص ارزیابی تأثیرات پسینی در مورد قوانین آزمایشی ـ می‌تواند به‌عنوان الگویی برای گسترش این فرایند به دیگر قوانین و مقررات، به‌ویژه در ارزیابی تأثیرات لوایح، به‌کار گرفته شود.

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

## منابع و مآخذ

### الف ـ فارسی


۱. اندروز، مت؛ لنت پریچت و مایکل وولکاک (۱۳۹۸). توانمندسازی حکومت: شواهد، تحلیل، عمل، ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی، تهران: روزنه.

۲. پارکر، دیوید و کالین کرکپاتریک (۱۳۸۸). «ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای درحال توسعه»، ترجمه مسعود فریادی، اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، سال هشتم، بهار و تابستان.

۳. حبیب‌نژاد، سیداحمد و احمد تقی‌زاده (۱۳۹۸). «نیازسنجی تقنینی؛ عنصری بایسته در قانون‌گذاری شایسته»، دانش حقوق عمومی، سال هشتم، زمستان، شماره ۲۶.

۴. رنانی، محسن (۱۳۷۲)؛ «نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانون‌گذاری»، مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز.

۵. زرشکن‌عابد، زهرا (۱۳۸۷). ارزیابی تأثیرات قانون (ابزاری برای قانون‌گذاری بهتر)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۶. ژاکوبز، کالین (۱۳۹۲). «توسعه و تحول ارزیابی آثار مقررات‌گذاری در انگلستان»، ترجمه فائزه عامری، در: کرکپاتریک و پارکر (ویراستار)، ارزیابی آثار مقررات‌گذاری؛ به‌سوی مقررات‌گذاری بهتر، ترجمه گروه مترجمان، تهران: خرسندی، [معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری].

۷. ژاکوبز، اسکات اچ (۱۳۹۲). «گرایش‌های کنونی در فرایند و روش‌های ارزیابی آثار مقررات‌گذاری: کاربست ارزیابی آثار مقررات‌گذاری در فرایند خط‌مشی‌گذاری»، ترجمه مسعود فریادی، در: کرکپاتریک و پارکر (ویراستار)، ارزیابی آثار مقررات‌گذاری؛ به‌سوی مقررات‌گذاری بهتر، ترجمه گروه مترجمان، تهران: خرسندی، [معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری].

۸. فریادی، مسعود (۱۳۸۹). سازوکارهای حقوقی ارزیابی آثار مقررات‌گذاری در نظام حقوقی ایران، تهران: معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی.

۹. فلورز، ایمر بی (۱۳۹۰). «در جست‌وجوی فلسفه قانون‌گذاری: مشروطه‌خواهی/ قانونگرایی»، در: وکیلیان (تألیف و ترجمه)، گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۰. کردوا نویون، سزار (۱۳۹۲). «ارزیابی آثار مقررات‌گذاری در مکزیک»، ترجمه حسن لطفی، در: کرکپاتریک و پارکر (ویراستار)، ارزیابی آثار مقررات‌گذاری؛ به‌سوی مقررات‌گذاری بهتر، ترجمه گروه مترجمان، تهران: خرسندی، [معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری].


[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

۱۱. کرکپاتریک، کالین و دیوید پارکر (۱۳۹۲). «ارزیابی آثار مقررات‌گذاری: نگاهی اجمالی»، ترجمه مسلم آقایی‌طوق، در: کالین کرکپاتریک و دیوید پارکر (ویراستار)، ارزیابی آثار مقررات‌گذاری؛ به‌سوی مقررات‌گذاری بهتر، ترجمه گروه مترجمان، تهران: خرسندی، [معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری].

۱۲. کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری هیأت دولت، «دستورالعمل پایش و ارزیابی فرایند و آثار اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی»، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶.

۱۳. مدر، لوئیس (۱۳۹۰). «ارزیابی تأثیرات: به سوی ارتقای کیفی قانون‌گذاری»، در: حسن وکیلیان (ترجمه و تألیف)، گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۴. مرکزمالمیری، احمد (۱۳۹۹). «اختلال در ابتکار قانون‌گذاری در ایران: آموزه‌هایی برای مجلس یازدهم»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۷۱۳۹، تیر.

۱۵. مزی، مایکل (۱۳۹۰). «روابط قوه مقننه و مجریه»، در: وکیلیان (تألیف و ترجمه)، گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۶. مویل، کوئن جی (۱۳۹۰). «ارتقای کارآمدی رویه‌های پارلمان»، در: وکیلیان (تألیف و ترجمه)، گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۷. هان، رابرت دبلیو. و پل سی. تتلاک (۱۳۹۲). «آیا تحلیل اقتصادی باعث بهبود تصمیمات مقررات‌گذاری شده است؟» ترجمه جعفر خیرخواهان و فاطمه عرفانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گروه مطالعات محیط کسب‌وکار، شماره مسلسل ۱۲۹۱۹، فروردین.

**ب ـ لاتین**

1. Brain, Ciara and Colin Scott (2011); “Regulation, Public Law, and Better Regulation”, European Public Law, 17, No. 3.
2. Casullo, Lorenzo and Nathan Zhivov (2017); "Assessing Regulatory Changes in the Transport Sector: An Introduction", Discussion Paper No. 2017-05, Prepared for the Roundtable on Assessing Regulatory Changes in the Transport Sector (6-7 October 2016, Stockholm, Sweden) International Transport Forum at the OECD, Paris, April.
3. Congressional Research Service (2014); "Cost-Benefit and Other Analysis Requirements in the Rulemaking Process Congressional Research", -name redacted-, Coordinator, Analyst in Government Organization and Management, December 9.

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]

4. OECD (2002); "Regulatory Policies in OECD Countries: From Interventionism to Regulatory Governance", Paris: OECD.
5. Querbach, Tobias and Christiane Arndt (2017); "Regulatory policy in Latin America: An Analysis of the State of Play", OECD Regulatory Policy Working Papers, No. 7, Paris: OECD Publishing, http: //dx.doi.org/10.1787/2cb29d8c-en.
6. Verschuuren, Jonathan and Rob van Gestel (2009); "Ex Ante Evaluation of Legislation: An Introduction", in Jonathan Verschuuren (ed.), The Impact of Legislation: A Critical Analysis of Ex Ante Evaluation, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

[ Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2025-10-18 ]

[ DOI: 10.52547/qjal.8.26.195 ]